

زمانی مورد در، امروز ای؟ آماده مقدس ک تاب از دی گه اند گ یزه یجان داس تان یه ب رای! ک وچول وها سلام خدا اما! ب ر سه آسمون به که ب سازن ب لند خیلی ب رج یه داشت تن سعی مردم که گ یر می یاد! شد چی ب بدینیم ب یای ید. داشت ای دی گه یذ قشه

بزرگ خانواده یک

خودشان او هلی ذوه و فرزندان ب کرد شدن بزرگ به شروع نوح خانواده، بزرگ طوفان از پس شد جمعیت از پر دوداره زمین، زود خیلی و شدند فرزند صاحب

توانستند تنمی هه - داشت وجود مخ تلافی هلی ب ان. ک رندمی صد بت زیان یک به هه، زمان آن در! ب فهمند کاملاً رای بکدی گر

یاف تند (شد معروف بابل به به عده که) شدند نام به زی بامکانی و کردند فرهم ب مردم ب سازند بزرگ شهری و شوند ساکن آنجا در گرفتند تصمیم آنها

غرور آفرین و بزرگ طرح یک

که ب سازیم ب رچی ب اعظیم شهری ب یای ید: گ رفتند آنها بر سید ذهنشان به ای ای ده مردم، روزی پراکنده زمین سراسر در پودن خواهیم مجبور و شد خواهیم مشهور آنگاه! ب یاد امتداد آسمان تا «. شویم

ک رندندمی فخر خدا به آنها. داشت وجود بزرگ مشکل یک اما

- بمانند مکان یک در خواستند تنمی، زمین کردن پر ب رای خدا فرمان از اطاعت جای به
- ک نند ورمشه را خودشان خواستند تنمی، خدا دادن جلال جای به
- کردند امتداد خودشان قدرت به، خدا های ن قشه به اعتماد جای به

و بلندت ب رج ب پندد ب الات ر و ب الات ر را آنها و ساختند را آجرها. کردند کار به شروع مردم ب و دگر نظاره خدا اما. شد بلندت ر

شودمی عمل وارد خدا

ب رای شان چه هیچ، کردند کار هم ب شکل این هب آنها اگر: گ رفت و ک نندمی چه مردم که دید خدا از ق بل ب ای دمن من ب رای نه، ک نندمی ب ناخودشان جلال ب رای آنها اما ب و ن خواهد غیر ممکن «ب گ یرم را جلوی شان، ک نند منحرف مس یر شان از آنها غرور شان ای نکه

ک نند ناب و در آنها ای نکه ب دون - ب گ یرد را آنها جلوی تا ک شد ای ن قشه

ک ننده گ پیچ سورپ رایز یک

اف تاد عجیبی ات فاق، رس پندد ب رج به ک ارگ ران که هین، صبح روز یک

اند فهمید را حرفش دوستش، خواست ب یش تری آجر مردی وقتی

! که رذدنی صد بت مخ تلف های زیبان به ناگهان، که نند صد بت زیبان یک به ای نکه جای به مردم هم باک رذدنی سعی دیدی گگر شکل به های بعضی، که رذدنی صد بت شکل یک به هلب بعضی **! شدمی قاطی چیزهه اما**، که نند صد بت

! که نند کار هم با ت واند س تندنمی دیدی گگر . شند ن نامید و گ بیج آنها

که نند متوقف را ساختن شند مجبور، که نند درک را ی کدی گگر ت واند س تندنمی دیدی گگر که آنجا از

شوندنی پراک نده زمین سرا سرد مردم

گ روهی صورت به مکان ن قیل به شروع مردم، که نند تمام را ب رج ن ت واند س تند آنها که ی آنجا از پیدا، که رذدنی صد بت خود شان زیبان به که اف رادی با زندگی بی رای جدیدی های مکان و که رذدنی که رذدنی

و جدید های ملت و شند پراک نده زمین سرا سرد مردم، ب ود که رده ری زی ب رنامه خدا که هاند طور معنی به که شد معروف پاپل به و ماند ناتمام شهر . آوردند وجود به را مخ تلف های زیبان . است " سردرگمی"

ب یاموزیم؟ ت واند ییمی چه پاپل ب رج از

دهدمی ما به مهم درس چندا س تان این

1. خدا از ای نکه نه ،دهند جلوه ب زرگ را خود شان خوا س تندنمی مردم . که ندمی دور خدا از را ما غرور . که نند اطاعت
2. شد مطمئن و ، که نند پ ر را زمین مردم خوا ستمی او . شوندنی پ یروز هم پیشه خدا های ن قشه . اف تدمی ات فاق این که
3. به ب رج یک با ت واند ندمی که رذدنی ف کر مردم . خودمان به نه ، که نیم اع تمام خدا به ب باید ما . که نند نزدیک خودش به را ما ت واندنی خدا ف قط اما ، ب رسند به هشت

دهیم؟ انجام ت واند ییمی کاری چه

- دهیم قرار اولویت در را خدا ،دهیم انجام که کاری هو در هم پیشه پ یایید
- خودمان های ن قشه به نه ، که نیم اع تمام او های ن قشه به و پاشیم ف روتن پ یایید
- دارد که نترل تحت را چیزهه خدا ، ب ی ف تدا ات فاقی هو که پاشد ی ادمان

که نیم ان تخاب خودمون راه جای به رو خدا راه هم پیشه ام یوارم !دادی گوش حرف نام به که منونم